

معرفی روش‌شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی

(ارائه یک نمونه)

امیرحمزه مهرابی^{۱*}، حسین خنیفر^۲، علی نقی امیری^۳، حسن زارعی متین^۴، غلامرضا جندقی^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری و عضو هیئت علمی مجتمع شهید محلاتی

۲ و ۳. دانشیار پردیس بین‌المللی قم دانشگاه تهران

۴ و ۵. استاد پردیس بین‌المللی قم دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۹۰/۴/۲۰)

چکیده

امروزه ضرورت بومی سازی نظریه‌ها به ویژه در علوم انسانی، به خواست عمومی جامعه علمی ایران تبدیل شده است. بهره‌گیری از «متون اسلامی» برای نظریه پردازی در عرصه‌های نوین، یکی از رویکردهای مناسب بومی سازی است که روز به روز در حال گسترش است. اما به دلیل فقر روش‌شناسی در این رویکرد، دست آورد قابل قبولی در پی نداشته است. این نوشته برآن است تا یکی از روش‌های کیفی که به منظور نظریه پردازی عرضه شده است را برای انجام تحقیقات اسلامی معرفی نماید و برای اثبات کارایی آن، در یک مطالعه موردی بکار گرفته و مراحل اجرای آنرا کام به کام شرح دهد.

روش‌شناسی «تئوری داده بنیاد» برای این منظور برگزیده شده است. به نظر نگارنده این روش‌شناسی یکی از روش‌هایی است که قابلیت بکارگیری در تحقیقات اسلامی را داراست. مراحل اجرای این روش که به «کد گذاری» معروف شده، با شیوه‌های تحقیق در متون اسلامی تناسب زیادی دارد.

برای کد گذاری باز، روش تحلیل اسنادی و در دو مرحله کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی برای دسته بندی عوامل و کشف روابط بین مولفه‌ها و ابعاد، از تست خبرگی و برای مرحله مدل سازی از تکنیک «چند رأیی» استفاده شده است.

نتایج حاصل از تحقیقات، پیدایش ۳۴ بُعد بود که با استفاده از تست خبرگی در قالب پنج «مقوله» و هر یک با نقش و جایگاه معین به شرح زیر دسته بندی شدند: ۱- متغیرهای مؤثر ۲- متغیرهای زمینه ساز ۳- متغیرهای بازدارند ۴- بازده و نتایج ۵- ابعاد توانمندی

حاصل مطالعه موردی با بکارگیری روش نظریه داده بنیاد در متون اسلامی، طراحی «مدل جامع توانمند سازی منابع انسانی» مبتنی بر آموزه‌های اسلام است که انتظار می رود اجرای آن برای سازمان‌ها مفید و مؤثر باشد.

واژگان کلیدی

نظریه داده بنیاد، تحقیقات اسلامی، توانمند سازی، رشد، مدل سازی.

مقدمه

امروزه هستی‌شناسی^۱ و معرفت‌شناسی^۲ اغلب جوامع، متأثر از پارادایم حاکم بر جهان غرب، روی‌کردی «اثبات‌گرایانه»^۳ دارند. در این پارادایم استراتژی «تجربی» نقش محوری ایفا می‌کند و روش‌شناسی مطلوب آن، روش «کمی و آماری» است. عدم کفایت پارادایم اثبات‌گرایی در توضیح رفتار اجتماعی موجب شده تا بر این پارادایم انتقادات عمده‌ای همچون در نظرنگرفتن بسترهای فرهنگی و تاریخی، نقش ارزش‌ها، نیات درونی افراد و عدم توجه به مباحث زیباشناختی و... وارد شود.

جهت رفع محدودیت‌های اثبات‌گرایی حرکت‌های مختلفی صورت گرفته که از مهم‌ترین آن‌ها «تئوری تفسیری اجتماعی» است. در عرصه تحقیقات سازمانی نیز، بخاطر نادیده‌گرفتن تفاوت‌های میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی، محققان سنتی مدیریت، عموماً پدیده سازمانی و انسانی را بر مبنای اصول علوم طبیعی و پارادایم اثبات‌گرایی مفهوم‌سازی کرده‌اند که منجر به پیدایش مشکلات روش‌شناسی شده است. دلیل عمده نادیده‌گرفتن این مشکلات روش‌شناسی، تمایل به ایجاد یک دانش سازمانی جهان‌شمول می‌باشد، اما گرایش روزافزون به تحقیقات کیفی، بر ایجاد نارضایتی‌های بسیار، در مورد مشکلات پارادایم اثبات‌گرایی دلالت دارد. (لطف آبادی، ۱۳۸۴، ص ۳۵)

علاوه بر این، در بسیاری از تحقیقات، روی‌کرد غالب، در تبیین متغیرهای تحقیق و استنباط، در خصوص روابط علی و معلولی یا همبستگی، مبتنی بر تفکر «قیاسی» می‌باشد. بدین لحاظ، مادامی که داده‌ها و شواهد جمع‌آوری شده، مؤید نظریه‌ای باشد، آن نظریه هم‌چنان مورد قبول بوده و به منزله مبنا در پژوهش‌های بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. براین اساس، غالب تئوری‌های عملی به تفکر قیاسی پای‌بند هستند. اما مشکل قابل‌توجه، پذیرش نظریه‌های برگرفته از تفکر قیاسی، آن هم در محیطی غیر از بستر شکل‌گیری آن نظریه است.

آسیب‌شناسی پدیده «نظریه‌پردازی» در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که گرفتار شدن جامعه علمی، در قفس آهنین پارادایم اثبات‌گرایانه و پای‌بندی به نظریه‌های برخاسته از شرایط محیطی متفاوت از زمینه مورد تحقیق، و تأکید بیشتر بر رویکردهای قیاسی،

-
1. Ontology
 2. Epistemology
 3. positivism

باعث شده است، ذهن نوآور و تفکر خلاق از اندیشمندان جهان سوم گرفته شود و زایش نظریه جدید و نظریه پردازی، عقیم بماند. همه همت و تلاش محققین در چنین جوامعی صرفاً «آزمودن» نظریه‌های ارائه شده از غرب می‌شود و چارچوب‌های نظری تحقیقات و مدل‌های مفهومی رساله‌های دانشگاهی، حتی دوره‌های دکتری، چیزی جز آنچه در مناطق دیگر، تحت شرایط آن محیط، برای حل مشکلات آنان، که توسط نظریه‌پردازان غیر بومی ارائه شده، نیست. (الوانی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۷) مطالعات در دو دهه اخیر، نشان می‌دهد که مقاله‌های ارائه شده با رویکرد کیفی، از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۵، ص ۵۰۹) تحقیقات کیفی شامل نگرش‌های فلسفی، تکنیک‌ها، ابزارهای تحقیق و سبک‌های متنوعی هستند، بگونه‌ای که تئوری انتقادی^۱، تحلیل گفتمان^۲، قوم‌شناسی^۳، هرمنوتیک^۴، تحلیل روایتی^۵، مشاهده مشارکتی^۶، تحقیق موردی^۷، تئوری زمینه‌ای^۸ (نظریه داده بنیاد) و موارد بسیار دیگری، همه به عنوان تحقیق کیفی شناخته شده‌اند. (فقیهی و بامداد صوفی، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

رشد سریع و گسترده تحقیقات کیفی و روش‌های ترکیبی، در سالهای اخیر، می‌تواند نویدی برای آغاز نهضت «خلق و ایجاد نظریه»‌های بومی و برخاسته از شرایط محیطی و سازمانی جامعه ما باشد. معرفی «روش‌شناسی کیفی» از سوی اندیشمندان دلسوز و تحول‌گرا، موجب شده است که پژوهش‌های علوم اجتماعی از علوم طبیعی تمایز یابد و داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، روز به روز واقعی‌تر، هنجارمندتر و ارزش‌مداثرتر شود. این تلاش‌ها می‌تواند رویکرد «آزمون نظریه‌ها» را به «نهضت نظریه‌پردازی» رهنمود شود، چنان‌که در ادبیات تحقیقی، تمایل به «روش‌شناسی نظریه پردازی» در حال افزایش است. اقبال روزافزون محققین، به تحقیقات کیفی، چشم‌انداز حاکمیت پارادایم جدیدی را ترسیم می‌کند که واقع‌نمایی بیشتری را رقم می‌زند. [۱]

نگارنده با استقبال از این جهت‌گیری، بر آن است تا ضمن معرفی اجمالی یکی از

1. Critical theory
2. Discourse analysis
3. Ethnography
4. Hermeneutics
5. Narrative analysis
6. Participant observation
7. Case study
8. Grounded theory

روش‌های کیفی، به نام «نظریه داده‌بنیاد»، آن را در عرصه‌ای جدید و با استفاده از منابع بومی و معتبر، موردکاوی نماید. این روش‌شناسی، به دلیل برخورداری از ظرفیت تئوری‌سازی و دارا بودن ویژگی‌های خاص (که توضیح داده خواهد شد) برای انجام تحقیقات اسلامی، از کارآیی بیشتری برخوردار است.

بیان مسأله

به لحاظ مبانی اسلامی، برای شناخت و هدایت جریان وسیع و گسترده تحقیقات معاصر، تکیه بر روش‌های تحقیق متعارف سکولار، که تنها با استفاده از اندیشه و تجربه محدود، خطاپذیر و متغیر بشری در صدد بررسی و حل مسائل جوامع معاصر هستند و به تعبیر لوی صافی وحی را به مثابه منبع معرفتی، کاملاً از جریان کسب دانش حذف کرده‌اند، امری نامعقول و غیرقابل قبول، به نظر می‌رسد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۸۹)

فرید ریش، کارل رته و فرزین بانکی می‌نویسند: پرداختن به روش‌های شناخت دقیق علمی، این مسأله را از یادمان برده است که راه‌های غیرعلمی (!! هم برای شناخت، وجود دارد. کافی است به شناخت‌ها بیندیشیم که در حکمت‌ها، شعائر و سنن ملل باستانی می‌یابیم... در این میان انواع کثیری از شناخت‌هایی که از احساس بر می‌آیند یا در نصوص دینی وجود دارند، در روزگار ما مورد غفلت قرار گرفته و هرگز به آن‌ها، توجهی نشده است. مواردی از قبیل، حدس‌زدن، شهود، پیش‌گویی، روشن‌بینی، شهود دینی. کشف عرفانی و حتی وحی. (کارل ته و بانکی، ۱۳۸۷، ص ۶۱) جالب است که این دو نویسنده، ضمن تأکید بر غفلت از پرداختن به منابع وحیانی، آنرا غیر علمی و در ردیف حدس و پیش‌گویی و... می‌دانند.

هر چند از سوی اندیشمندان مسلمان برای علوم دینی، روش‌شناسی‌های علمی و دقیقی تدوین و اجرا شده است - که اصول فقه، روش‌های کلامی، روش‌های تفسیری، علم رجال و درایه، از آن جمله‌اند - و لی در مورد علوم جدید و کاربردی، و چگونگی انجام تحقیقات در متون دینی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه معاصر، اقدام درخور توجهی صورت نگرفته است.

از سوی دیگر، روش‌شناسی متعارف در علوم دینی که عمدتاً در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای دانش فقه تدوین شده است، برای استفاده در تحقیقات علوم جدید و معاصر با رویکرد اسلامی، ناکافی به نظر می‌رسد. (صادق‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳)

چنان‌که یکی از محققین می‌نویسد: به منظور وصول به مفاهیم و گزاره‌های معتبر دینی در زمینه علوم جدید، در پردازش روی‌کرد اسلامی به روش‌شناسی پژوهشی، باید از تفسیر به رأی یا التقاط و یا برداشت شخصی غیر کارشناسانه از متون دینی و تبدیل متون دینی به ابزاری برای تأیید و توجیه نظریه‌های بشری، پیش‌گیری شود. (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ص ۸۵)

مطالعه تاریخ علم، گویای حاکمیت نگرشهای افراط و تفریطی در معرفت‌شناسی است. عده‌ای از متفکرین، «جبری» و گروهی «تفویضی» مسلک بوده‌اند، جماعتی «عقل» و عده‌ای «نقل» را ترجیح داده‌اند، برخی برای «جمع» و گروهی برای «فرد»، اصالت قائل شده‌اند و...

این روی‌کرد در معرفت‌شناسی و روش‌شناسی حاکم بر دو حوزه «علم» و «دین» نیز، مشهود است. طوری که عده‌ای به تعبیر کوهن به «تباین معرفتی علم با تعالیم وحیانی دین» قائلند و گروهی نیز این دو حوزه را کاملاً یکی می‌دانند. در این طیف، عده‌ای برآنند تا مسائل ماوراءالطبیعه را تفسیر مادی کنند و برخی نیز در تلاشند دست‌آوردهای علمی بشر را به تأیید منابع دینی برسانند. به نظر می‌رسد هر دو روی‌کرد خالی از نقص نباشد. پذیرش تباین معرفتی، گرایشی افراطی و ادغام یکی در دیگری نیز، نگرشی تفریطی است.

هر چند رفع نیازهای جوامع بشری، جز با آشتی روش‌شناسی این دو حوزه میسر نیست ولی ضرورت تعامل این دو نباید موجب شود یکی به نفع دیگری حذف شود، بلکه راه‌های دیگری نیز متصور است: مانند تدوین روش‌شناسی‌ای جدید یا استفاده از روش‌شناسی موجود هر حوزه که قابلیت بکارگیری در هر دو حوزه را دارا باشد. چنان‌که روش‌های «تحلیل محتوا»، «هرمنوتیک» و «نظریه داده‌بنیاد» در تحقیقات دینی قابل استفاده است و روش‌های رایج در حوزه دین مثل اصول (بویژه بحث الفاظ)، منطق، درایه (فقه الحدیث) و... ظرفیت بکارگیری در علوم جدید را دارا هستند.

برای تبیین روش ساخت نظریه از منابع دینی، لازم است روی‌کردهای موجود در فرایند پژوهش در علوم جدید، مبتنی بر منابع اسلامی، معرفی شود. به گفته خسرو باقری، چگونگی ارتباط بین علوم جدید، با دین، متأثر از روی‌کردهای رابطه علم و دین است. (باقری، ۱۳۸۲، صص ۲۱۴-۲۵۰). در یک تقسیم‌بندی، سه روی‌کرد اصلی معرفی شده است:

۱- **روی‌کرد استنباطی:** این روی‌کرد به علم و دین، مبتنی بر دین‌شناسی دایرةالمعارفی است. یعنی این‌که دین (جزئیات یا اصول کلی) همه علوم را در بردارد و با مطالعه دقیق متون دینی، می‌توان هر علمی را از آن استخراج کرد.

۲- **روی کرد امضایی:** این روی کرد با هدف «اسلامی کردن دانش» تلاش می کند علوم جدید را با انجام اصلاحات و یا حذف بخش هایی از آن از یک سو و تحمیل برداشت ها و تفاسیر شخصی بر متون دینی از سوی دیگر، به تأیید دین برساند و اثبات کند در دین هم، چنین علمی بوده است. به تعبیر دیگر، با حذف مغایرت ها، بین آن ها مصالحه برقرار کند.

مطالعاتی که در زمینه علوم جدید صورت گرفته و نتایج آن با افزودن صفت اسلامی به جامعه عرضه شده است (مثل: مدیریت اسلامی، روان شناسی اسلامی، جامعه شناسی اسلامی) غالباً با رویکرد امضایی صورت گرفته است. به این قبیل تحقیقات، نقدهای جدی و قابل تأملی وارد شده است که مجال پرداختن به آن ها نیست. [۲]

۳- **روی کرد تأسیسی:** طرفداران این دیدگاه معتقدند از آنجایی که همه علوم، ریشه در یک دیدگاه فلسفی دارند، می توان بجای مبنا قرار دادن تئوری های موجود در علوم جدید، که برخاسته از فلسفه و زمینه خاصی است، و تلاش برای تأیید یا اصلاح آن از ناحیه متون دینی، گزاره هایی را سامان داد که مبتنی بر جهان بینی و انسان شناسی دینی باشد و بطور مستقل در علوم مختلف تئوری پردازی کرد و به بوته آزمون گذاشت.

در این روی کرد علم دینی - همچون موضوع هر نوع تلاش علمی دیگری - باید در پرتو پیش فرض های خاص خود، همراه با تلاش تجربی تکوین یابد. در این صورت، به سبب نفوذ عمیق مبانی فلسفی اسلام در مراحل شکل گیری علم و فرضیه های آن علم، می توان آن را به صفت اسلامی متناسب ساخت و از علوم اسلامی سخن گفت.

پس از تکوین فرضیه، نوبت آزمون تجربی آن، فرا می رسد. اگر شواهد کافی فراهم آید، می توان از یافته های علوم تجربی سخن گفت. این یافته ها، به معنای مصطلح علمی اند، زیرا از بوته آزمایش تجربی برآمده اند و دینی اند، زیرا مبتنی بر پیش فرض های دینی، تکوین یافته اند. از ساختاری همگن و یک پارچه برخوردارند، زیرا فرضیه ها در پرتو پیش فرضی معین و متناسب، و به اقتضای آن پیش فرض، تحول یافته اند و سرانجام از این اتهام دورند که دین را به آزمون و تجربه، گرفته اند، زیرا آن چه به محک آزمون زده می شود، فرضیه های ماست که ملهم از ایده های دینی اند نه خود ایده های دینی. برخی از این فرضیه ها می توانند بر خطا باشند برخی دیگر می توانند با شواهد تجربی، استحکام یابند (باقری، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰).

از این رو، در این پژوهش، بر اساس روی‌کرد «تأسیسی» و با بهره‌گیری از روش «نظریه داده‌بنیاد» مبتنی بر استقراء^۱، بجای آزمون تئوری‌ها و مدل‌های ارائه‌شده در زمینه «توانمندسازی»، مدلی جدید، بومی و برگرفته از متون اسلامی، طراحی و آزموده شده است. برای کدگذاری باز^۲، از روش تحلیل اسنادی^۳ و در مرحله کدگذاری محوری^۴ برای دسته‌بندی عوامل و کشف روابط بین ابعاد و مولفه‌ها، از تست خبرگی و برای انجام مرحله کدگذاری انتخابی^۵ از روش چندرایی^۶ استفاده شده است.

معرفی اجمالی نظریه داده‌بنیاد

برای واژه‌گراند تئوری^۷ در زبان فارسی، معادل‌هایی مثل: «نظریه مبنایی»، «نظریه داده‌بنیاد»، «نظریه زمینه‌ای»، «تئوری مفهوم‌سازی بنیادی» «متدولوژی رویش نظریه‌ها»، «نظریه بنیادی» و «گراند تئوری» ارائه شده است [۳]. هر چند اصطلاح «نظریه زمینه‌ای» از نظر لغوی با واژه انگلیسی آن قرابت بیشتری دارد ولی «نظریه داده‌بنیاد» (معادلی که در این تحقیق بکار رفته است) از سوی محققین بیشتری، مورد استفاده قرار گرفته است.

واژه «گراند»^۸، در «گراند تئوری» نشان‌گر آن است که هر تئوری که بر اساس این روش تدوین می‌شود، بر «زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی» بنیاد نهاده شده است. در تعریف نظریه داده‌بنیاد گفته شده است:

«نظریه داده‌بنیاد عبارت است فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون آن هستند». (منصوریان، ۱۳۸۵، ص ۵)

پاول می‌گوید: نظریه داده‌بنیاد، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی

1. Inductive
2. Open Coding
3. Content Analysis
4. Axial Coding
5. Selective Coding
6. Multivoting
7. Grounded Theory
8. Grounded

یک فرایند منظم، به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. (پاول، ۱۹۹۹، ص ۶۷)

نیومن معتقد است نظریه داده‌بنیاد مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده است. (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۲۳۴)

بنیان‌گذاران این متدولوژی، دو محقق با نام‌های گلیسر و استراوس^۱ بوده‌اند که این متدولوژی را در حوزه مطالعات پرستاری و پیراپزشکی در مورد ایده‌ها و نگرش‌های بیماران بستری در بیمارستان، بکار گرفتند و نظریات خود را در خصوص این روش، در کتابی با عنوان «کشف نظریه داده‌بنیاد»^۲ در دهه ۱۹۶۰ منتشر کردند. گلیسر و استراوس در کتاب خود مطرح کردند:

«موضوع اصلی کتاب ما، کشف تئوری بر اساس گردآوری نظام‌مند داده، در پژوهش‌های علوم اجتماعی است. هر فصل این کتاب، به مراحل می‌پردازد که ما در فرآیند تولید تئوری، پشت سر گذاشته‌ایم. انگیزه اصلی از معرفی این تئوری، رسیدن به مرحله‌ای از شناخت در مورد موضوع مورد مطالعه است که ما را قادر می‌سازد نظریه‌ای را که ساخته‌ایم بر اساس داده‌های واقعی استحکام بخشیم.» (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷، ص ۱۳)

هدف اصلی آن‌ها، یافتن روشی برای تولید نظریه در حین یک فعالیت تحقیقاتی بود. بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و محققان علوم اجتماعی، ناگزیر به مفهوم‌سازی در این حوزه هستند. نظریه داده‌بنیاد، با ارائه یک روش سیستماتیک دقیق برای مفهوم‌سازی می‌تواند این محققان را یاری کند. تئوری‌های استخراج شده از روش نظریه داده‌بنیاد، به صورت استقرایی از پدیده مورد مطالعه، منشعب می‌گردند. این تئوری‌ها، از طریق جمع‌آوری سیستماتیک داده‌های تجربی و تجزیه و تحلیل آن‌ها کشف، و توسعه داده می‌شوند. جمع‌آوری اطلاعات و بسط نظریه، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در نظریه داده‌بنیاد، تحقیق، با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج، موارد مرتبط پذیرا می‌گردند. (کربین و استراوس، ۱۹۹۰، ص ۵۰)

ممکن است این شبهه برای خواننده پیش آید که نظریه داده‌بنیاد «روش» است یا «نظریه».

1. Glaser, B. and Strauss, A
2. The Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research.

بر اساس دیدگاه پدیدآورندگان آن، نظریه داده بنیاد در واقع «روشی» است کیفی برای ساخت نظریه‌ای که مبتنی بر واقعیات و داده‌ها باشد. (منصوریان، ۱۳۸۶، ص ۸) به تعبیر دیگر، نظریه داده بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا بجای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند.

هرچند خاستگاه اصلی این روش‌شناسی در حوزه پزشکی و روانشناسی بالینی است ولی به دلیل انعطاف‌پذیری فوق‌العاده خود، به شکل گسترده‌ای به سایر علوم اجتماعی نیز سرایت کرده است. چنان‌که سوسا می‌گوید: از آنجایی که متدولوژی نظریه داده بنیاد قابلیت نظریه پردازی در حوزه مفاهیم مدیریتی نیز دارد، می‌تواند در این حوزه به خوبی مورد استفاده قرار گیرد. (سوسا، ۲۰۰۶، ص ۳۲۵)

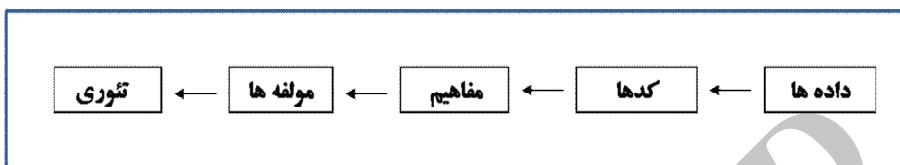
مراحل نظریه داده بنیاد و توسعه مدل

در روش‌شناسی نظریه داده بنیاد، کشف یا تولید نظریه بر مبنای حقایق و واقعیات موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و با مدنظر قرار دادن کلیه جوانب - بالقوه - مرتبط با موضوع تحقیق، صورت می‌گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده سیر تکاملی خود را تا رسیدن به تئوری، مرحله‌ای را طی می‌کنند. تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند، با استفاده از «رمزگذاری نظری»^۱ انجام می‌شود. در این شیوه، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص می‌یابد. این رمزها در قالب «مفهوم» تعیین می‌شوند که آن را «رمزگذاری باز»^۲ می‌نامند. سپس پژوهش‌گر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آن‌ها به «رمزگذاری محوری»^۳ اقدام می‌کند.

لازم به ذکر است که در جریان این رمزگذاری‌ها، پژوهشگر با استفاده از «نمونه‌گیری نظری»^۴ و با توجه به مفاهیم پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها در مورد افراد، رخدادها و موقعیت‌های مختلفی می‌پردازد که تصویر غنی تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل،

1. Theoretical coding
2. Open coding
3. Axial coding
4. Theoretical sampling

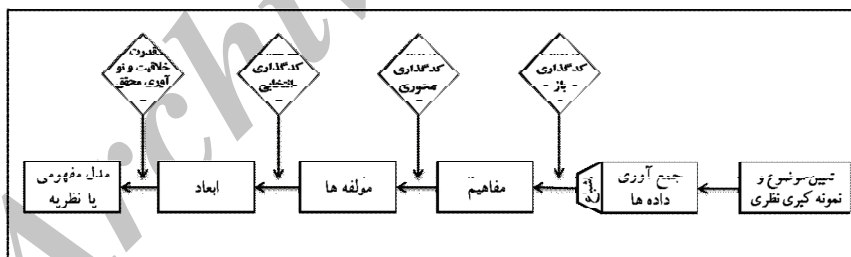
فراهم خواهند کرد. سرانجام، با «رمزگذاری انتخابی»^۱ مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها در نهایت، چارچوبی نظری پدیدار می‌شود. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷، ص ۵۸) این روند در شکل شماره ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: مدل فرایند اجرای گراندد تئوری

[استراوس (۱۹۹۰)، دانایی فرد (۱۳۸۴)، زارعی (۱۳۸۷)، منصوریان (۱۳۸۶) و...]

اغلب محققین، این فرایند را پذیرفته و در نوشته‌های خود، آن را معرفی کرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد در این نمودار بین اقدام و نتیجه، اختلاط صورت گرفته است. کدها، اقدامات سه‌گانه‌ای (باز، محوری و انتخابی) هستند که از اجرای هریک نتایج خاصی حاصل می‌شود، به طوری که از اجرای کدگذاری باز، مفاهیم حاصل می‌شود و از کدگذاری محوری، مؤلفه‌ها و از کدگذاری انتخابی، تئوری شکل می‌گیرد. با این وصف، کدها یک مرحله، از مراحل نیستند بلکه از اجرای آن‌ها، مراحل منتج می‌شوند. با تجربیاتی که از انجام این تحقیق به دست آمده است، مدل فرایند اجرای نظریه داده‌بنیاد را توسعه داده و مدل زیر پیشنهاد می‌گردد:



شکل ۲: مدل توسعه یافته فرایند اجرای گراندد تئوری

در این مدل، مرحله «تعیین موضوع و نمونه‌گیری نظری» (هرچند دو مرحله مجزا هستند) بدان افزوده شده و کدگذاری‌ها با نتایج اجرای آن‌ها، از هم تفکیک و مرحله «ابعاد» نیز، اضافه شده است. نکته مهم و اساسی آن است که هیچ یک از متخصصین نظریه داده‌بنیاد نگفته‌اند که

1. Selective coding

چگونه تعیین مؤلفه‌ها، به تئوری ختم می‌شود. هر چند استراوس و کوربین به پدیده‌ای به نام «حساسیت نظری» اشاره کرده‌اند، اما طبق تعریف آن‌ها، این ویژگی با قدرت خلاقیت و ابتکار محقق متفاوت است [۴]

برای تئوری‌سازی، باید روابط بین مؤلفه‌ها یا (ابعاد)، با یکدیگر از یک سو، و با موضوع اصلی از سوی دیگر، معلوم شود. در صورت وجود رابطه، نوع روابط بین آن‌ها مشخص گردد. این کشفیات، صرفاً از «کدگذاری‌ها» حاصل نمی‌شود. گویا طرفداران روش‌های کیفی، همچنان تحت سیطره پارادایم اثبات‌گرایی، به تحلیل پدیده‌ها می‌پردازند. تولید نظریه یک حادثه مکانیکی نیست که بتوان آن را طی مراحل خطی و جبری تبیین کرد. «خبرگی، قدرت ابتکار و خلاقیت محقق» است که به مدد وی می‌آید و روابط پنهان آنان را آشکار ساخته و موفق به خلق تئوری جدید می‌شود. این اتفاق طی فرایند پر رمز و رازی صورت می‌گیرد که هنوز به خوبی شناخته نشده است. برای پرهیز از تکرار مطالب، شرح مراحل کدگذاری، در بخش گزارش اجرای تحقیق، خواهد آمد.

روایی و پایایی تحقیق

روایی^۱

روایی؛ اشاره دارد به میزانی که یافته‌ها، واقعیت را توصیف می‌کنند. ریشه‌های معیار روایی را می‌توان در پارادایم اثبات‌گرایی یافت. در اصطلاح‌شناسی اثبات‌گرایی، روایی در کنار سایر مفاهیم تجربی، همچون قوانین جهانشمول، شواهد، عینیت^۲، قیاس، واقعیت، منطق و داده‌های آماری قرار می‌گیرد. در تحقیق کمی، روایی را می‌توان اینگونه تعریف نمود: «یک تحقیق تا چه حد دقیقاً آنچه را که قصد ارزیابی‌اش را داشته، سنجیده است» (گل‌افشانی، ۲۰۰۳، ص ۵۵۹)

تعریف فوق، در تحقیقات کیفی جایگاه چندانی ندارد، چرا که در تحقیق کیفی، هدف، ارزیابی چیزی نیست (استنباکا، ۲۰۰۱، ص ۵۵۱)، بلکه هدف درک جهان اجتماعی از منظر پاسخ‌گویان (مشارکت‌کنندگان) بوسیله توصیف تفصیلی و دقیق از اقدامات شناختی و نمادین آن‌ها و شناخت معنی مرتبط، با رفتار قابل مشاهده آن‌ها می‌باشد. (میلز، ۲۰۰۲، ص ۳۷)

1. Validity
2. Objectivity

محققان کیفی در رابطه با بحث روایی موضع‌گیری‌های مختلفی داشته‌اند. برخی معتقدند که روایی، به عنوان یک معیار سنتی کمی، هیچ ارتباطی با تحقیق کیفی ندارد و چون فرضیات شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی پارادایم‌های کمی و کیفی متفاوتند لذا باید مفهوم روایی نیز در تحقیقات کیفی، کنار گذاشته شود. البته بیشتر محققان کیفی، نگرش متعادل‌تری نسبت به بحث روایی دارند و معتقدند که برخی مطالعات کیفی بهتر از برخی دیگر هستند و اغلب واژه روایی را برای اشاره به این تفاوت ذکر می‌نمایند. این محققان کیفی، هنگامی که از روایی تحقیق صحبت می‌کنند معمولاً به واژه‌هایی همچون «باورپذیری»^۱، «قابل دفاع»^۲ و «امانت دار»^۳ بودن اشاره می‌کنند. (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱) با پذیرش این معیارها. به عنوان شاخص‌های تحقیق کیفی، تحقیق حاضر، به دلیل نقل داده‌ها (عین آیه و حدیث) از اسناد معتبر، شاخص «امانت‌داری» و انتساب داده‌ها به منبع وحی و معصومین (ع) هر دو شاخص «باورپذیری» و «قابل دفاع بودن» را در حد بسیار بالایی دارا است.

پایایی^۴

پایایی؛ بیانگر پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف زمانی است. موضوع «پایایی» در تحقیق کیفی، نسبت به روایی، کمتر مورد مناقشه بوده است. از آنجایی که روایی بدون پایایی نمی‌تواند وجود داشته باشد، نشان‌دادن اولی برای اثبات دومی کافی است. «ممیزی تحقیق»^۵ را می‌توان به منزله روش خوبی برای بهبود قابلیت اطمینان، پیشنهاد کرد و آن عبارت است؛ بررسی فرایند و محصول تحقیق توسط داوران^۶ برای تعیین سازگاری^۷ آن‌ها. (مایز و پوپ، ۲۰۰۲، صص ۵۲-۵۰)

به دلیل بهره‌مندی مستمر، از نظر خبرگان حوزوی و دانشگاهی در کلیه مراحل و فرایندهای این تحقیق، پایایی مورد انتظار برای یک پژوهش به خوبی تضمین و برآورده شده است.

1. plausible
2. Defensible
3. Trustworthiness
4. Relability
5. Inquiry Audit
6. Reviewers
7. Consistency

مراحل اجرای تحقیق

مرحله اول: تعیین موضوع (واژه‌شناسی)

اولین گام در نظریه داده بنیاد تعیین «موضوع» مورد تحقیق است. هدف این پژوهش بکارگیری نظریه داده بنیاد در تحقیقات اسلامی است و «طراحی مدل توانمندسازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلام» به عنوان موردکاوی در نظر گرفته شده است. پس موضوع ما، یافتن معادل واژه توانمندسازی در متون اسلامی است. کلمه «توانمند سازی» معادل واژه انگلیسی «Empowerment» است. اما در متون اسلامی (زبان عربی) چه لغت یا لغاتی، را می‌توان به عنوان مترادف «توانمندسازی» معرفی کرد؟

برای وصول به این هدف، مطالعات زمینه‌ای وسیعی انجام شد. با فضایی حوزه علمیه و اساتید دانشگاه - که از تجربه و تخصص لازم در علوم قرآن و حدیث و مباحث مدیریتی برخوردار بودند - مذاکرات مفصلی صورت گرفت. هر یک با ذکر دلایل و استنادات قرآنی و روایی، لغت یا لغاتی را معرفی می‌کردند که با جمع‌بندی دیدگاه آنان، ۱۱ واژه حاوی مفهوم «توانمندی» استخراج گردید. برای تحدید و تدفیق واژه‌ها، این لغات بر اساس حروف الفبا مرتب شدند و از ۵۹ خبره در دسترس در ۷ مکان مختلف خواسته تلفیق شد، به هریک از لغات به نسبت قرابت و نزدیکی معنایی به واژه توانمندی، با اختصاص عدد، از ۱ تا ۱۱ اولویت آن‌ها را معین نمایند و اگر غیر از لغات ذکر شده، واژه دیگری را مناسب‌تر می‌دانند، با ذکر اولویت معرفی کنند. این واژه‌ها عبارت بودند از: استوی، اشده، بلوغ، توفیق، تربیت، رشد، سعه، سداد، قدره، قوه و کمال

پس از تبدیل اولویت‌ها به امتیاز، واژه «رشد» با اختلاف زیادی نسبت به سایر واژه‌ها، به عنوان مناسب‌ترین معادل «توانمندی» به دست آمد. در پایان پرسش‌نامه، تعداد معتناهی از پاسخگویان اصطلاح «استطاعت»، «بسطة» «تمتع» و «اثاره» را نیز به واژگان قبلی افزوده بودند. تست خبرگی بعدی، باز هم از بین ۵ واژه (استطاعت، اثاره، بسطه، تمتع و رشد)، «رشد» در رتبه بالاتری قرار گرفت. علاوه بر تست خبرگی، با مراجعه به کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» که مشتمل بر ۳۶ فرهنگ لغت معتبر و در چهارده جلد است، همه لغات پیشنهادی،

1. Terminology

معنایابی شدند که از این حیث نیز، لفظ رشد با توانمندی، قرابت بیشتری داشت. دست‌یابی به تعریف رشد از نظر آیت الله مرتضی مطهری، این یافته‌ها را تأیید و قطعی‌تر کرد. ایشان می‌فرماید:

«رشد، یعنی توانایی، شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات مادی یا معنوی که به او سپرده شده است. به تعبیر دیگر، رشد یعنی قدرت اداره و قدرت بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌ها. (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۷۵)

نتایج حاصله از چهار روش بکار گرفته شده در واژه‌یابی، نشان می‌دهد که در متون اسلامی، واژه «رشد» مناسب‌ترین معادل برای «توانمندی» است در نتیجه، «Empowerment» یعنی «رشد دادن».

برای جمع‌آوری اطلاعات (در اینجا آیات و روایات) پیرامون «رشد» از دو روش «لغت‌کاوی و معنا کاوی» به صورت ترکیبی استفاده شد [۵]. یعنی در مواردی که نیاز به تفسیر و اجتهاد داشت به طریقه دوم و صرفاً به نقل از متخصصین و در مواردی که واژه در افاده مفهوم، صریح بوده، از روش اول استفاده گردید.

مرحله دوم : جمع‌آوری داده‌ها

در اغلب تحقیقات، قبل از جمع‌آوری داده‌ها، متغیرها، روابط و حتی نتایج، تعریف شده و طرح تحقیقی متضمن مقصود است. در حالی که در نظریه داده‌بنیاد، نمونه‌برداری با فرایند حس عام و با داده‌هایی که تأمین‌کننده اطلاعات اولیه هستند آغاز می‌شود که از آن می‌توان به عنوان نمونه‌برداری تئوریک (جهت‌دار) نام برد. (سوتو، ۱۹۹۲، ص ۱۱) در نظریه داده‌بنیاد، تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق، با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌گردد. (اخوان و جعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۴)

اطلاعات جمع‌آوری شده، با تکنیک‌هایی چون کدگذاری آزاد یا آنالیز خط به خط (برای جستجوی کلمات یا جملاتی در متن که دارای معنی خاص باشند) تجزیه و تحلیل می‌شود که می‌تواند به محقق، در راستای تشخیص مفاهیم موقت اکتشافی کمک کرده و وی را برای تشخیص نمونه‌های بیشتر راهنمایی کند.

با توجه به اصول اولیه نظریه داده‌بنیاد، به محض روشن‌شدن حوزه تحقیق و کلیاتی از مسئله و موضوع تحقیق، محقق باید وارد کارگردیده و عملاً کار تحقیق در حوزه مذکور را آغاز کند. بنابراین، «ادبیات موضوع» بر خلاف بسیاری از مطالعات، مقدم بر جمع‌آوری داده‌ها نبوده،

بلکه به عنوان بخشی از فرایند استقرایی فرایند جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل همزمان و تفسیر خواهد شد. عبارت دیگر، تئوری در حال توسعه باید محقق را، حتی در خصوص ادبیات مرتبط، در جهت مفاهیمی که پدیدار خواهند شد، نیز هدایت نماید. (چارمز و برایان، ۲۰۰۸، ص ۳۷۴)

در این روش تحقیق، پژوهش‌گر با گردآوری نظام مند داده‌ها از مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک و... سعی می‌کند همه جوانب بالقوه مرتبط با موضوع را شناسایی کند. در این روش، بر خلاف روش‌های مرسوم برای جلوگیری از بروز هر گونه سوگیری و نتیجه‌گیری زود هنگام، در باره موضوع پژوهش، از ادبیات و نظریه‌های موجود در گام‌های آغازین پژوهش استفاده نمی‌شود.

جمع‌آوری داده‌ها، روندی کاملاً انعطاف‌پذیر است. مصاحبه‌ها، مشاهدات، بررسی اسناد موجود، فیلم‌ها، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و... از جمله منابع مطلوب برای جمع‌آوری داده‌ها هستند. در نظریه داده بنیاد، کار گردآوری داده، تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر اطمینان حاصل کند که ادامه گردآوری چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. بنابراین پژوهش‌گر ناگزیر است گردآوری را تا رسیدن به «نقطه اشباع»^۱ ادامه دهد. یکی از نشانه‌های نقطه اشباع، روبرو شدن با داده‌های تکراری است. (سوسا، ۲۰۰۶، ص ۳۲۴)

متون اسلامی، چه به عنوان اسناد و مدارک و چه به عنوان یادداشت‌های حاصله از مصاحبه و مشاهده کاتبان وحی و حدیث، در نظر گرفته شوند، منابع بسیار ارزشمند و ذی‌قیمتی هستند که زمینه مناسبی برای جمع‌آوری اطلاعات محسوب می‌شوند. با این تفاوت که آیات قرآن هم ریشه و حیانی دارند و هم در مراحل دریافت، کتابت و انتشار، از مصونیت کامل برخوردارند. احادیث و روایات نیز اگر در کتابت و انتقال و برداشت، از خطاهای بشری در امان مانده باشند، منشاء آن معصوم بوده و منطبق با وحی الهی است. از این رو، در این تحقیق، منبع جمع‌آوری داده‌های ما، قرآن کریم و احادیثی بوده است که از حیث سند، معتبر بوده و در برداشت مفهومی نیز، با تست خبرگی اعتبارسنجی شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، نهج البلاغه و غررالحکم که مجموعه بیانات و نوشته‌های امام علی (ع) است، به منزله منابع اصلی تحقیق، در نظر گرفته شد.

1. Saturation Point

یافته‌ها، بسیار جذاب و شوق‌انگیز بود و مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده حول موضوع رشد و توانمندی، به صدها آیه و حدیث رسید. پس از پایان نسبی کار، مرحله عنوان‌بندی و کدگذاری داده‌ها فرا رسید. البته ضرورت اقتضاء می‌کرد که بطور مستمر عمل جمع‌آوری، تکمیل و اصلاح داده‌ها در طول تحقیق (تا نقطه اشباع) بارها و بارها تکرار شود، نکته‌ای که به عقیده صاحب‌نظران از مزایا و محاسن روش نظریه داده‌بنیاد است.

مرحله سوم: کدگذاری باز

در این مرحله، بر اساس روش مرسوم در نظریه داده‌بنیاد، به هر یک از اجزاء، عنوان و برجستگی داده می‌شود. این عنوان، که اصطلاحاً به آن «کد» گفته می‌شود، باید گویای محتوای داده باشد، به طوری که محقق و خواننده، با مشاهده این عنوان و تیترو، تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی ببرند. (میلز و هوبرمن، ۲۰۰۲، ص ۵۱)

در اجرای این مرحله، آیات و احادیث جمع‌آوری شده در جدولی نوشته شدند و در دو مرحله، برای هر یک از آن‌ها، عنوان مناسبی برگزیده شد. مرحله اول توسط خود محقق و مرحله دوم از سوی کارشناسان حوزوی، عناوین مشترک تثبیت و عناوین متفاوت یا مغایر با یکدیگر، با مصاحبه و تبادل نظر، اصلاح گردید. نمونه‌ای از جدول کدگذاری باز در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول ۱: نمونه‌ای از کدگذاری باز

شماره	ترجمه حدیث (داده)	مفهوم (کد)
R1	چنان از آنها دلجویی و به آنان توجه کن ، مثل توجه پدر و مادر نسبت به فرزندشان .	توجه و رسیدگی
R2	از زیر دستان به بهترین نحو تعریف و تمجید کن ، چرا که بیان رفتار خوب آنها موجب تحریک آنان به انجام کار بهتر و بیشتر می شود	تعریف و تمجید
R3	با پاداش دادن به افراد درستکار ، بدکاران را تنبیه کن .	اواویت تشویق
R4	هر کس به اندازه زحمتی که می کشد قدردانی کن. مبداا زحمات یک نفر به حساب دیگری بگذاری	عدالت توزیعی
R5	مبداا بزرگی یک نفر موجب شود تلاش کم او را بزرگ بشماری.	عدالت رویه ای
R6	نیاید پیش تو ، انسان درستکار و بدکار مساوی باشند .	عدالت مراوده ای
R7	اگر برای بدست آوردن چیزی اقدام کردی و جدیت بخرج دادی، حتماً آنرا می یابی	امکان پذیری موفقیت
R8	اگر نیت کسی قوی باشد، بدن او ضعف و سستی نشان نمی دهد.	تاثیر نیت بر رفتار
R9	برای هر مشکلی ، حتماً راه حلی وجود دارد.	امکان پذیری حل مشکل
R10	کسی که همت او بالا باشد، تلاش او نیز افزایش می یابد.	نقش همت در تلاش
R11	کسی که از تجربیات استفاده کند، اعمالش به هدف می رسد.	نقش تجربه در عملکرد
R12	نظرو هر فرد به اندازه تجربه اوست .	نقش تجربه در نظر
R13	نتیجه و ثمره تجربه، تصمیمات صحیح و درست است .	تاثیر تجربه در تصمیم گیری
R14	کسی که برای تأمین معیشت خانواده اش کار کند، مانند مجاهد در راه خداست .	ارزش و اهمیت کار
R15	سوء تدبیر ، کلید فقر است .	تاثیر تدبیر در بهره وری

مرحله چهارم: کدگذاری محوری

وظیفه محقق در این مرحله، «دسته‌بندی و مقایسه»^۱ عناوین استخراج شده از داده‌ها است. این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است، چرا که در ابتدا ارتباط بین آن‌ها، چندان آشکار نیست، در واقع محقق خود را، با انبوهی از داده‌های خام روبرو می‌بیند که چندان به هم ربطی ندارند اما به زودی پیوندهای نامرئی هویدا خواهد شد و زیبایی روش نظریه داده‌بنیاد در این مرحله نهفته است. (منصوریان، ۲۰۰۵، ص ۳۹۰)

با مقایسه مفاهیم مختلف می‌توان زمینه‌های مشترک بیشتری را میان آن‌ها کشف کرد که امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان را، فراهم خواهد ساخت. پدیدآورندگان این نظریه، نام این فرایند مقایسه مستمر مفاهیم با یکدیگر را «روش مقایسه پایدار»^۲ یا «روش تطبیق مداوم» نامیده‌اند. (سلدن، ۲۰۰۵، ص ۱۱۹)

با استفاده از تکنیک مقایسه پایدار، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است، امکان‌پذیر گردید. حاصل این مرحله از فرایند تحقیق، شکل‌گیری (مؤلفه‌ها) است که بخشی از آن، به عنوان نمونه، در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲: نمونه‌ای از کدگذاری محوری

مؤلفه‌ها	مفاهیم	شناسه
قدردانی	توجه + تعریف و تمجید + تشویق	R ₁ +R ₂ +R ₃
عدالت	عدالت مرادوهای + عدالت رویه‌ای + عدالت توزیعی	R ₄ +R ₅ +R ₆
اعتماد به نفس	امکان‌پذیری موفقیت + تأثیر نیت بر رفتار + اهمیت همت + امکان‌پذیری حل مشکلات + نقش همت در تلاش	R ₇ +R ₈ +R ₉ +R ₁₀ +R ₁₁
تجربه	نقش تجربه در بهبود عملکرد + تأثیر تجربه در اندیشه + نقش تجربه در تصمیم‌گیری	R ₁₂ +R ₁₃ +R ₁₄

مرحله پنجم: کدگذاری انتخابی

به عقیده استراوس، کدگذاری انتخابی عبارت است از سیستماتیک انتخاب مؤلفه‌های اصلی و ارتباط دادن آن‌ها با سایر مؤلفه‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند. (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص ۸۲)

در آخرین مرحله از کدگذاری، که به کدگذاری انتخابی معروف است، پژوهش‌گر با توجه

1. Categorazing & Comparison
2. Constant Comparison

به مراحل قبلی، به استحکام بیشتر مفاهیم و مؤلفه‌ها می‌پردازد. در این مرحله در یک دسته‌بندی کلی‌تر، داده‌های سازماندهی شده در قالب مؤلفه‌های گوناگون و در ابعاد محدودتری دسته‌بندی می‌شوند. (آلن، ۲۰۰۳، ص ۱۴)

در مرحله کدگذاری انتخابی، وجوه مشترک مؤلفه‌های سرآمده از مراحل قبلی، شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری سامان‌دهی شدند. با وجود این، تعداد این ابعاد به ۲۲ مورد رسید. بدیهی است طراحی مدل مفهومی مشتمل بر این میزان متغیر، کار دشواری خواهد بود. در شکل شماره ۵ نگاهی از مرحله کدگذاری انتخابی، نمایش داده شده است.

بر اساس مراحل معرفی شده در فرایند نظریه داده‌بنیاد، می‌بایست پس از پایان مرحله کدگذاری انتخابی، چارچوب نظری هویدا می‌شد ولی چنین اتفاقی رخ نداد. ابعاد حاصله از این مرحله، بسان اجزای پراکنده یک سیستم بودند که لازم بود روابط بین آن‌ها مشخص گشته و نقش، جایگاه و عملکرد هر خورده سیستم، تعریف شود.

جدول ۳: نمونه ای از کدگذاری انتخابی

متغیر وابسته (موضوع)	ابعاد Dimensions	مؤلفه ها Components
توانمند سازی (رشد دادن)	راهنمای مدیریتی Management Strategie	قدردانی (Appreciation)
		عدالت (justice)
		مشاوره (Consultation)
		تامین نیاز (Provide The Needs)
	شایستگی Competency	علم (Knowledge)
		تجربه (Experience)
		تخصص (Specialty)
	نگرش Attitude	اعتماد به نفس (Self- Confidence)
		مهم شمردن شغل (Job Important)
		امکان پذیری حل مشکل (Possible to solve problem)
	تعقل Intellection	دوراندیشی (Prudent)
		تدبیر (Scheme)
		انتخاب احسن (Best Selection)
	اخلاق کاری Work Ethics	تعهد (Commitment)
		تقوی (Virtue)
		همت (Hammett)

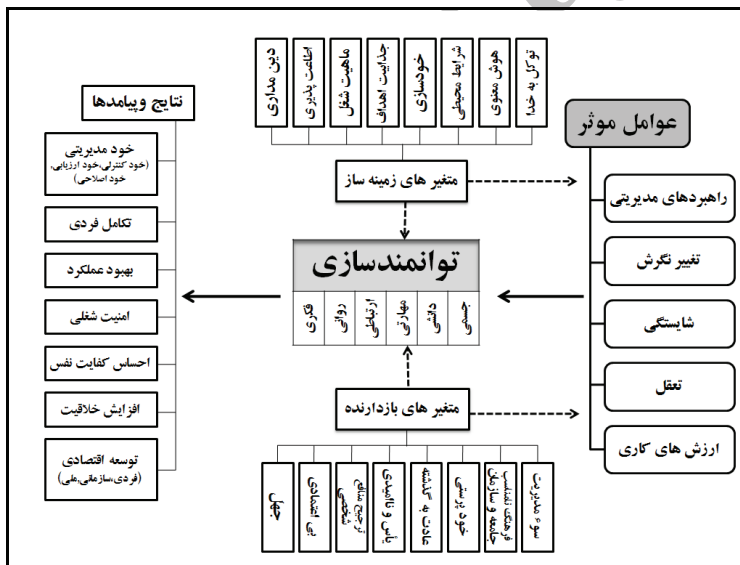
مرحله ششم: مدل سازی

در منابعی که به معرفی روش‌شناسی گراندد تئوری پرداخته‌اند، این مرحله را دست‌آورد

طبیعی مرحله کدگذاری انتخابی، دانسته‌اند و خوش بینانه اظهار داشته‌اند که: تجزیه و تحلیل پایانی به منظور تکوین نظریه، در این مرحله، صورت می‌گیرد. با توجه به مؤلفه‌های پدیدار شده از دل داده‌ها، در مورد رخدادها و موفقیت‌ها، تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مؤلفه‌ها، فراهم می‌گردد. در رمزگذاری گزینشی، به پالایش یافته‌های قبلی پرداخته می‌شود و با طی این فرایند، در نهایت، چارچوبی نظری پدیدار می‌شود. (چارمز و بریان، ۲۰۰۸، ص ۳۷۴)

تجربه نشان داد که ماهیت این مرحله، از مرحله قبل مجزا است. مدل‌سازی، مرحله‌ای است که نیاز به تفکر، ابتکار، خلاقیت و خبرگی دارد. مرحله بسیار دشواری که حتی بیش از مرحله جمع‌آوری داده‌ها، دقت و نیرو به خود اختصاص داد. پس از یک بازه زمانی نسبتاً طولانی و چالشی و در پی مشاوره‌های فراوان و اجرای تکنیک «چند رأیی»^۱ در میان خبرگان، «مدل مفهومی» جلوه‌گر شد. ۳۴ بُعد برآمده از مرحله قبل، در قالب پنج «مقوله» و هر یک با نقش و جایگاه معین، به شرح زیر دسته‌بندی شدند: ۱. متغیرهای مؤثر ۲. متغیرهای زمینه‌ساز ۳. متغیرهای بازدارنده ۴. بازده و نتایج ۵. ابعاد توانمندی.

مدل توانمندسازی حاصله از اجرای روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد، در شکل شماره ۳ آمده است:



شکل ۳: مدل جامع توانمندسازی منابع انسانی در اسلام (نگارنده، ۱۳۸۹)

1. Multivoting

آزمون نظریه

همان‌گونه که در بخش قبل توضیح داده شد، متدلوژی نظریه داده‌بنیاد، روشی برای تولید نظریه است، نه آزمون آن. بدیهی است اگر در تحقیقی نیاز باشد که علاوه بر نظریه‌پردازی، تست نظریه‌ها نیز در دستور کار قرارگیرد، لازم است از روش‌های کمی و تجزیه و تحلیل آماری استفاده شود. این مدل، در پروژه‌های مستقل و در فرصت مقتضی، توسط مؤلف یا سایر پژوهش‌گران اعتبارسنجی گردد.

هم‌چنین می‌توان برای مقایسه عوامل توانمندسازی، که در سازمان‌ها بکار می‌رود (وضع موجود) با عواملی که از متون اسلامی استخراج شده (وضع مطلوب) تحقیقات پیمایشی را سامان داد. چنان‌که قبلاً گفته شد، آزمون این مدل، به معنی اعتبارسنجی کلام معصوم (ع) نیست بلکه میزان صحت برداشت و تلقی ما از کلام معصوم (ع)، و ابتکار محقق در دسته‌بندی و برقرار ی روابط بین آن‌ها، در معرض قضاوت دیگران قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

یکی از روش‌هایی که می‌تواند به مثابه پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده، نقش اساسی ایفا کند، روش نظریه داده‌بنیاد است. روشی که با استفاده از استقراء بر اساس داده‌های واقعی و کیفی، به خلق و ایجاد نظریه می‌پردازد، این روش، با شکستن قالب‌های محدود گذشته، که غالباً به آزمون نظریه‌های مستفاد از قیاس اکتفا می‌کرد، خود به نظریه‌سازی می‌پردازد. این ویژگی، موجب شده است که روش نظریه داده‌بنیاد با تحقیقات اسلامی سنخیت بیشتری داشته باشد. زیرا تحمیل پیش فرض‌های محقق، بر متون اسلامی و تفسیر به رأی آن‌ها، برای انطباق با نظریه‌های برخاسته از روی‌کردهای تجربی و مادی، به شدت از سوی اندیشمندان مسلمان، مورد نکوهش واقع شده است. از سوی دیگر، مراحل انجام نظریه داده‌بنیاد از نحوه جمع‌آوری داده‌ها تا مراحل دسته‌بندی آن‌ها، و تجزیه و تحلیل نهایی و ارائه نظریه، بیش‌بافت با سیره محققین اسلامی نیست.

رعایت روایی و پایایی و استفاده مستمر از کارشناسان مسائل اسلامی در تشخیص، موجب کاهش احتمال خطا، در فهم صحیح مفاهیم دینی شده و امکان آزمون‌پذیری نتایج تحقیق، با استفاده از روش‌های اطمینان‌بخش، بر اعتبار و صحت این روش‌شناسی افزوده است. استفاده از متون دینی، در حکم منبع معرفتی و زمینه جمع‌آوری داده‌ها، به خواست جامعه علمی برای

بومی‌سازی نظریه‌ها، جامه عمل پوشانده و چون برگرفته از کلام الهی و بیان معصوم است، انطباق آن با ویژگی‌های روحی و جسمی و نیازهای بشر، قطعی و یقین‌آورند.

در این مقاله، آشکارا نشان داده شد چگونه می‌توان با استفاده از روش‌شناسی نوین، از اطلاعات موجود در منابع اسلامی، برای مدل‌سازی و نظریه‌پردازی در عرصه مباحث سازمانی، بهره‌جست و مدل توانمند سازی را طراحی کرد. مدل حاصله از این تحقیق، مدلی بومی است که کاملاً منطبق با آموزه‌های اسلام بوده و در جوامع انسانی قابلیت اجرا دارد.

اجرای عملی این نتایج در سازمان‌ها و شناسایی معایب و نواقص، و سپس اصلاح و تکمیل آن توسط سایر محققین، می‌تواند کاربردی شدن این مطالعات را تسهیل و تضمین نماید. این تحقیق، خالی از نقص نیست ولی تلاش برای کاهش عیوب، پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی و بهره‌مندی از روش‌شناسی مناسب، می‌تواند سرآغازی برای نظریه‌پردازی بومی و برگرفته از فرهنگ والای اسلام باشد.

Archive of SID

یادداشت‌ها:

- [۱] - رجوع کنید به: دانایی فرد. حسن، روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۸، سال پانزدهم، بهار ۱۳۸۸
- [۲] - برای آگاهی بیشتر از نقدهای وارده به این روی‌کرد، رک: باقری، خسرو، **هویت علم دینی**، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲
- [۳] - منابع و پیشنهاد دهندگان معادله‌های گراندد تئوری عبارتند از: **نظریه مبنایی**: بیوک محمدی در ترجمه کتاب آنسلم استراوس و جولیت کوربین به نام: **Theory Basics of qualitative Research Grounded**
- نظریه داده‌بنیاد**: دانایی فرد. حسن، روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی، روش‌شناسی علوم انسانی شماره ۵۸.
- نظریه بنیادی**: دانایی فرد. حسن، تئوری‌پردازی با استفاده از روی‌کرد استقرایی، استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، دانشور رفتار، ۱۳۸۴ شماره ۱۱
- تئوری مفهوم‌سازی بنیادی**: زارعی، عظیم و همکاران، بررسی بکارگیری روش تحقیق مبتنی بر تئوری مفهوم‌سازی بنیادی در حوزه مطالعات کارآفرینی، مجله کار و جامعه، شماره ۹۸ و ۹۹.
- متدولوژی رویش نظریه‌ها**: اخوان، پیمان و جعفری مصطفی، نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش، فصل‌نامه مدیریت فردا، ۱۳۸۵، شماره ۱۵ و ۱۶
- نظریه زمینه‌ای**: فقیهی، ابوالحسن و علیزاده محسن، روایی در تحقیق کیفی، فرهنگ مدیریت، ۱۳۸۴، شماره ۹
- نظریه بنیادین**: بامداد صوفی، جهانبار و همکاران، تحلیل محتوا با استفاده از نظریه بنیادین، فصل‌نامه مدیریت صنعتی، شماره ۸
- گراندد تئوری**: منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶) گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟ ارائه‌شده در همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- [۴] - استراوس و کوربین در تعریف حساسیت نظری آورده‌اند: حساسیت نظری، نشان‌گر آگاهی از ظرافت‌ها و توانایی معنی‌دار نمودن داده‌ها و قدرت تفکیک عناصر مربوط از نامربوط است و منشا آن احاطه به متون و مطالب تخصصی و تجارب محقق می‌باشد. (استراوس و

کوربین، ۱۳۸۷، ص ۳۹)

[۵] - برای جستجو در منابع و متون اسلامی، در میان مفسرین و فقها، دو روش متداول است:

۱ - روش لغت‌کاوی ۲ - روش معناکاوی

روش اول آن است که آیات و روایاتی که در متن آن‌ها، به لغت مورد نظر یا مشتقات آن اشاره شده، استخراج شود و مورد استفاده قرار گیرد. در روش دوم، محقق خود را محدود به لغت و کلمه خاصی نمی‌کند، بلکه محتوای سند، برای وی رجحان دارد. هر چند ممکن است در متن سند، هیچ اشاره‌ای به واژه مورد نظر نشده باشد ولی پژوهشگر از قرائن و شواهد دیگر در می‌یابد که محتوا، بر مفهوم مورد تحقیق، اشاره دارد. به دلیل نیاز به تخصص و خبرگی بالا (اجتهاد) در روش دوم، اغلب محققین از روش اول استفاده می‌کنند.

Archive of SID

منابع و مأخذ

۱. استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های بنیادی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ دوم.
۲. استربرگ، کریستین جی (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه احمد پور احمد و علی شماعی. یزد: دانشگاه یزد.
۳. اخوان، پیمان و جعفری مصطفی (۱۳۸۵). نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت فردا، شماره ۱۵ و ۱۶.
۴. الوانی، سید مهدی، دانایی فرد، حسن، عادل آذر (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکرد جامع، انتشارات صفار.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۲). هویت علم دینی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. بامداد صوفی، جهانبار و همکاران (۱۳۸۷). تحلیل محتوا با استفاده از نظریه بنیادین، فصلنامه مدیریت صنعتی، شماره ۸.
۷. دانایی فرد. حسن (۱۳۸۸). روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۸، سال پانزدهم.
۸. دانایی فرد. حسن (۱۳۸۴). تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی، استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیاد، دانشور رفتار، شماره ۱۱.
۹. زارعی، عظیم و همکاران (۱۳۸۷). بررسی بکارگیری روش تحقیق مبتنی بر تئوری مفهوم‌سازی بنیادی در حوزه مطالعات کارآفرینی، مجله کار و جامعه، شماره ۹۸ و ۹۹.
۱۰. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن و روش فهم آن، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. صادق زاده قمصری، علی‌رضا (۱۳۸۶). رویکرد اسلامی به روش‌شناسی پژوهش تربیتی، تبیین امکان و ضرورت - فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۱، سال ششم.
۱۲. فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

۱۳. فقیهی، ابوالحسن، بامداد صوفی، کامیار (۱۳۷۸). کثرت‌گرایی روش تحقیق در پژوهش‌های سازمانی، فصلنامه مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲.
۱۴. فقیهی، ابوالحسن و عزیزاده محسن (۱۳۸۴). روایی در تحقیق کیفی، فرهنگ مدیریت، شماره ۹
۱۵. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۰). روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۱۶. عابدی جعفری، حسن و ازگلی، محمد (۱۳۷۵). سیر تحقیقات مدیریت در اسلام، مجله مصباح، شماره ۱۹، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۷. گلشنی، مهدی و دیگران (۱۳۷۷). روش‌شناسی فهم متون دینی، مجله معرفت، شماره ۲۴.
۱۸. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). ضرورت تاسیس فلسفه علم مینوی، انتشارات سمت، تهران.
۱۹. محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۳۷۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (۱۴ جلد)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). ملامدهای غیبی، قم، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم.
۲۲. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
23. Allan, G. (2003), "A critique of using grounded theory as a research method", *Electronic Journal of Business Research Methods*, Vol. 2 No. 1, pp. 1-10.
24. Charmaz, K., & Bryant, A. (2008). "Grounded Theory. In L. M. Given, *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods*" California: Sage Publication, pp. 374-377.
25. Creswell, J. W. (1998) *Qualitative Inquiry and Research Design*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
26. Denzin N.K. & Lincoln Y.S. (2005), *Handbook of Qualitative Research, 2nd edition*, pp. 509-535. Thousand Oaks, Ca: Sage.
27. Gorman, G. E. & Clayton, P. (2005). *Qualitative Research for the Information Professional: A Practical Handbook*. London: Facet Publishing.
28. Glaser, B. (1998), *Doing Grounded Theory: Issues and Discussion*, Sociology Press, Mill Valley, CA.
29. Glaser, B. and Strauss, A. (1967), "The Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research", New York.

30. Golafshani, nahid,2003,Understanding reliability and validity in qualitative research , The Qualitative Report , vol.8 , No.4.
31. Mays, N. and pope, G. (2002);Assessing quality in qualitative research;British Medical Journal.Jan.I.pp.50-52
32. Miles, M. and Huberman, A. (2002), “Qualitative data analysis: a sourcebook of new methods, Sage London; Beverly Hills.
33. Neuman, Lawrence,1977, social research methods :qualitative and quantitative approaches 3d. ed. Boston,Allyn and Bacon.
34. Powell, R. (1999), “Recent trends in research: a methodological essay”, Library and Information Science Research, Vol. 21 No. 1, pp. 91-119.
35. Punser,R.E, and Pasmore,W.A. (1992), Research in organizatinal change and developmeent Greenwich: JAI pressInc..
36. Selden, L. (2005), “On grounded theory - with some malice”. Journal of Documentation, Vol. 61 No.1, pp. 114-129.
37. Strauss, A. and Corbin, J. (1998) Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique (2nd Edition), Sage, Newbury Park, London
38. Soto, S. (1992). Using grounded theory analysis to study the information-seeking behaviour of dental professionals. Information Research News, Vol. 3 No. 1, pp. 2-12
39. Sousa.C.A.A Headriks.,P.H.j(2006),the need for grounded theory in developing a knowledge based view of organization research methods,Vol.9,No 3,pp315-338
40. Szabo,V.and Strang.V.R (1997) , Secondary analysis of qualitative data , Advances in Nursing Science , Vol. 21. no3,pp491-503
41. Stenbacka , caroline, 2001 , Qualitative research require concepts of its own, Management Decision , vol.39 , No.7.

Archived at SID